



## سیر تاریخ نگاری در ایران

• خسرو راد

- تاریخ نگاری و تحولات آن در ایران و جهان
- دکتر حسین میر جعفری، عباس عاشوری نژاد
- انتشارات دانشگاه پیام نور، خرداد ۱۳۸۶، ۱۷۵ صفحه

عصر رنسانس و قرون جدید به طور فشرده بررسی می‌شود و بخش پایانی منحصرأ به معرفی و تحلیل مکتب تاریخ نگاری آنال در فرانسه می‌پردازد. در این بخش می‌توان در خصوص شرایطی که به شکل گیری مکتب آنال انجامید و ایرادهای که پیشگامان این مکتب بر تاریخ نگاری سنتی وارد کردند و همچنین پیشنهادهایی که ارائه دادند، مطالبی را یافت.

### ارزیابی اثر

هنگامی که در فهرست مطالب کتاب بخشی را می‌بینیم که به تاریخ نگاری دوره‌های مختلف و سلسله‌های حکومت‌گر ایران باستان اختصاص دارد، بسی خوشحال می‌شویم که سرانجام تلاشی برای پر کردن این جای خالی در پژوهش‌های منتشر شده به زبان فارسی صورت گرفته است، اما با مراجعه به صفحات مربوطه تنها با معرفی فشرده و مختصری از منابع موجود در هر دوره مواجه می‌شویم و هیچ‌گونه بررسی و سخنی در مورد سبک یا سبک‌های تاریخ نگاری رایج در آن زمان به میان نمی‌رود؛ حتی نویسندگان به طرح پرسش‌های رایج در این زمینه و انجام مقایسه میان سبک‌های تاریخ نگاری یونان و روم باستان از یک سو و سنت سالنامه نویسی بین‌النهرینی از سوی دیگر با سنت رایج در ایران همان عصر و یافتن پاسخ‌هایی برای چرایی آن چه که برخی آن را فقدان تاریخ نویسی در ایران باستان می‌دانند، نمی‌پردازند.

همان‌گونه که گفته شد کتاب حاضر به یک اثر در زمینه شناخت و معرفی منابع تاریخی (حداقل در بخش مربوط به ایران باستان) شبیه است تا بررسی تحولات تاریخ نگاری در ایران، که البته در این مورد نیز نواقصی دارد و تمامی منابع موجود را پوشش نمی‌دهد.

بررسی سیر تاریخ نگاری و تحولات آن در ایران و جهان موضوعی است که کتاب حاضر به آن می‌پردازد. این اثر که به‌عنوان کتاب درسی برای دانشجویان دانشگاه پیام‌نور تهیه شده است، به طور کاملاً فشرده و مختصر به این مسأله اختصاص دارد. در این رهگذر، ابتدا کلیاتی درباره معنا و مفهوم تاریخ نگاری و تفاوت آن با تاریخ نگری مطرح و سپس روند تاریخ نگاری نخستین بشر و وضعیت آن در تمدن‌های باستانی چین، هند، مصر، یونان و روم بررسی می‌شود.

بخش‌های بعدی کتاب به طور مفصل‌تر به تاریخ نگاری ایران و اسلام می‌پردازد. تاریخ نگاری ایران به دو دوره پیش و پس از اسلام تقسیم می‌شود. دوره پیش از اسلام بر اساس سلسله‌های حکومت‌گر آن، چهار دوره عیلام، ماد و هخامنشی، سلوکی و اشکانی و ساسانی را در برمی‌گیرد. تاریخ نگاری دوره اسلامی نیز، بنا به گفته نویسندگان به دلیل اهمیت و تشخیص ویژگی‌های تقریباً مشترک در نوع تاریخ نگاری در هفت مقطع تاریخی بررسی می‌شود. در این بخش نویسندگان تنها به صورت فهرست وار ویژگی‌های عام تاریخ نگاری هر دوره را بیان می‌کنند.

در بخش مربوط به تاریخ نگاری اسلامی نیز، پس از پرداختن به شکل گیری این تاریخ نگاری و مباحثی چون سیره پیامبر (ص)، تاریخ مکتوب و شفاهی و نقش قرآن در این تاریخ نگاری به فعالیت‌های مورخان ایرانی مسلمان و جریان‌های فکری چون شعوبی‌گری اشاره می‌شود. روش تاریخ نگاری اسلامی و مکاتب آن از دیگر مباحث این بخش به‌شمار می‌رود. تاریخ نگاری اروپا دو بخش از کتاب را به خود اختصاص داده است. در بخش اول روند تاریخ نگاری در قرون وسطی،



**سنت شرح حال نویسی یکی از سنن  
رایج در نگارش کتیبه‌های سلطنتی عصر  
باستان به‌شمار می‌رود که نویسندگان  
هیچ اشاره‌ای به این سبک از نگارش  
ندارند و تنها به ذکر تیتروار منابع موجود  
بسند می‌کنند**

نویسنده در ذکر تاریخ‌نویسان یونان، جنگ‌های ممتد میان هخامنشیان و یونانی‌ها را عمده‌ترین عامل رشد تاریخ‌نگاری این دو رقیب می‌داند، اما هیچ‌گونه اشاره‌ای به تاریخ‌نگاری یا سبک رایجی که رشد یافته باشد، نمی‌کند. جالب این است که در بخش تاریخ‌نگاری ایران بعد از اسلام، از تقلید شیوه‌های تاریخ‌نگاری ایران باستان در سده‌های نخستین اسلامی سخن می‌رود؛ اما باز در هیچ جای دیگری از کتاب به چگونگی این شیوه‌ها اشاره‌ای نمی‌شود.

سنت شرح حال نویسی یکی از سنن رایج در نگارش کتیبه‌های سلطنتی عصر باستان به‌شمار می‌رود که نویسندگان هیچ اشاره‌ای به این سبک از نگارش ندارند و تنها به ذکر تیتروار منابع موجود بسند می‌کنند. در هر بخش از کتاب قسمتی به ذکر تحقیقات جدید اختصاص دارد اما اغلب کتاب‌هایی معرفی شده که سال‌ها از تاریخ تألیف آن‌ها می‌گذرد و در سال‌های اخیر پژوهش‌های فراوانی در آن خصوص منتشر شده است. در بخش تحقیقات جدید هخامنشی به کتاب‌هایی اشاره شده که برخی از آن‌ها رمان تاریخی‌اند و سایر آن‌ها نیز جزو منابع برجسته و پژوهش‌های علمی این دوره به‌شمار نمی‌روند. در ذکر منابع مربوط به عصر ماد و هخامنشی به نوشته‌های پهلوی همچون «یادگار زریران»، «درخت آسوریک»، و «نامه تنسر» اشاره شده که همگی متعلق به عصر اشکانی و ساسانی است.

تقسیم‌بندی منابع موجود در مورد هر دوره، نه بر اساس قدمت و فاصله نگارش آن اثر تا زمان رخداد، بلکه بر اساس زبان نگارش کتاب و آن ملتی است که نویسنده جزو آن قرار دارد. برای نمونه: منابع سومری، منابع یونانی و ... افزون بر این، کتاب دارای برخی اشتباهات تاریخی نیز هست. از جمله

این که نویسندگان جایگاه الواح گلی تخت جمشید را که به زبان عیلامی است، شهر استخر می‌دانند (کتاب حاضر، ص ۲۸)، در حالی که استخر شهری فراهخامنشی است و بیش تر در عصر پارتی و ساسانی رونق دارد. در واقع بخش خزانه و بارو در تخت جمشید دو ناحیه‌ای است که این الواح از آن جا به دست آمده‌اند. در خصوص زبان آرامی نیز نویسندگان معتقدند که در زمان سلوکیان و اشکانیان با متروک شدن خط میخی فارسی باستان، ایرانیان اندک‌اندک با خط آرامی آشنا شدند (همان، ص ۴۱)، این در حالی است که خط آرامی در عصر هخامنشی به عنوان خط رسمی و بین‌المللی در سراسر شاهنشاهی هخامنشی پذیرفته شده بود و فارسی باستان تنها برای نوشتن کتیبه‌های صخره‌ای و الواح سنگی سلطنتی به کار می‌رفت که تعداد آن‌ها نیز محدود بود.

در بخش معرفی منابع عصر سلوکی و اشکانی، بدون هیچ اشاره‌ای به منابع سلوکی، تنها به اشکانیان پرداخته می‌شود. نویسنده در بخش منابع خارجی مربوط به این عصر نیز هیچ اشاره‌ای به منابع ارمنی که جزو منابع دست اول برای بررسی

نویسنده معتقد است ارزش منابع یونانی و رومی برای تاریخ  
ایران باستان در عصر ساسانیان کم‌تر از دوره‌های پیش به  
نظر می‌رسد، زیرا از این دوره ما متون مکتوب فراوانی به زبان  
پهلوی داریم که آگاهی‌های تاریخی به ما می‌دهند

اختصاص دارد، نویسنده تنها به معرفی دو اثر این دوره (تاریخ طبری و تاریخ یعقوبی)، آن هم با اخذ از مطالب کتابی دیگر، اکتفا می‌کند. در این بخش به جز معرفی این دو منبع، حتی به نام سایر منابع مربوط به این عصر نیز اشاره‌ای نمی‌شود، چه برسد به تحلیل و بررسی سبک‌های تاریخ‌نگاری در این دوره. نویسنده به این دلیل که تاریخ‌نگاری ایران در این دوره را تحت تأثیر اندیشه‌های اسلامی می‌داند، بیش‌تر در بخش مربوط به تاریخ‌نگاری اسلامی به این دوره می‌پردازد.

در مورد مرحله بعد که به بررسی نگارش تاریخ در عصر سلسله‌های ترک نژاد غزنویان، غوریان، سلجوقیان و... می‌پردازد، وضعیت بهتر است و نویسنده شرایط مؤثر بر رشد تاریخ‌نگاری و سبک‌های مربوط به این دوره را مدنظر دارد.

مطالب بخش مربوط به تاریخ‌نگاری عصر اسلامی بیش‌تر به‌عنوان کتاب نزدیک است و تنها به معرفی تیتروار منابع موجود نمی‌پردازد. به‌طور کلی و با توجه به عنوان کتاب به نظر می‌رسد که توجه نویسندگان به تحولات تاریخ‌نگاری ایران بسیار بیش‌تر از تاریخ‌نگاری جهان بوده است، زیرا حجم بیش‌تری از کتاب را به ایران اختصاص داده‌اند.

نویسندگان کتاب، تاریخ‌نگاری اروپا در قرون وسطی، رنسانس و قرون جدید را در یک بخش (شش صفحه‌ای) و به صورت بسیار فشرده معرفی می‌کنند. در بخش پایانی نیز از میان مکاتب تاریخ‌نگاری عصر حاضر در اروپا، تنها به مکتب آنال می‌پردازند. مطالب این بخش با جمله زیر آغاز می‌شود: «متأسفانه آگاهی ما از تاریخ‌نگاری اروپا در عصر حاضر بسیار اندک است...». مشخص نیست منظور از «ما»، نویسندگان کتاب است یا نویسندگان عدم آگاهی خود از جریان‌های جدید تاریخ‌نگاری در اروپا و جهان را به همه تعمیم داده‌اند.

به هر ترتیب، وقتی عنوان کتابی تاریخ‌نگاری ایران و جهان است انتظار به گونه‌ای است که مخاطبان حداقل با عناوین و معرفی مختصری از سایر جریان‌های تاریخ‌نگاری جهان و پیشگامان یا نمایندگان آن‌ها نیز آشنا شوند.

تحولات آن دوره به‌شمار می‌روند، نمی‌کند. همچنین در خصوص منابع یونانی و رومی نیز به ذکر تمامی منابع موجود نمی‌پردازد و تنها چند نمونه را مثال می‌زند. در مورد عصر ساسانی نیز که به منابع ارمنی اشاره دارد تنها به ذکر دو منبع بسنده می‌کند.

در بخش مربوط به کتیبه‌های ساسانی به همه کتیبه‌های موجود این عصر توجه نشده، برای مثال از چهار کتیبه کرتیر، که برای بررسی اوایل حکومت ساسانیان و تحولات دینی آن بسیار مهم است، تنها به یک کتیبه اشاره می‌شود. (همان جا) به‌طور کلی از حدود هجده کتیبه دولتی، تنها به دوازده کتیبه اشاره شده است.

از سوی دیگر نویسنده معتقد است ارزش منابع یونانی و رومی برای تاریخ ایران باستان در عصر ساسانیان کم‌تر از دوره‌های پیش به نظر می‌رسد، زیرا از این دوره ما متون مکتوب فراوانی به زبان پهلوی داریم که آگاهی‌های تاریخی به ما می‌دهند. اما به نظر نمی‌رسد از ارزش منابع رومی برای این دوره کاسته شده باشد زیرا باید توجه داشت که هر چند رومی‌ها دشمن ساسانیان به‌شمار می‌رفتند، اما برخی از تاریخ‌های آنان به دلیل هم‌عصر بودن با حوادث و حتی حضور مورخان چون پروکوپئوس در جنگ‌ها، جزو منابع دسته اول و اصلی برای بررسی تاریخ این دوره محسوب می‌شوند و این در حالی است که بسیاری از متون پهلوی در سده‌های نخستین اسلامی نگارش یافته‌اند و بیش‌تر نیز حاوی مطالب مذهبی و اساطیری هستند تا تاریخی.

در بخش مربوط به تاریخ‌نگاری پس از اسلام، نویسنده قائل به هفت مرحله است، اما هیچ ملاک مشخصی برای این تقسیم‌بندی ارائه نمی‌دهد. زیرا برخی از این مراحل بر اساس سلسله‌های حکومت‌گری است که پشت‌سر یکدیگر به قدرت رسیده‌اند و برخی دیگر نیز بر اساس دوره‌هایی است که اقوامی چون ترکان، مغولان و ترکمانان در ایران حکومت تشکیل داده‌اند. در نخستین مرحله که به عصر خلفای راشدین، خلافت عباسی و حکومت‌های متقارن تا پایان سلطنت آل‌بویه